فهرست

[مقدمه 2](#_Toc59354882)

[شاهد اول احتمال دوم: 2](#_Toc59354883)

[نقد شاهد: 3](#_Toc59354884)

[شاهد دوم احتمال دوم: 3](#_Toc59354885)

[نقد شاهد: 3](#_Toc59354886)

[احتمال سوم: اجمال 4](#_Toc59354887)

[احتمال چهارم: 4](#_Toc59354888)

[خصوصیات احتمال چهارم: 6](#_Toc59354889)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

بحث در طایفه سوم از اخباری بود که درباره نگاه به وجه و کفین ذکرشده بود و به‌عنوان مستند قول سوم و قول به‌تفصیل ذکرشده است. چند مطلب طرح شد. رسیدیم به این بحث سوم که بحث اصلی هم هست: النظره الاولی و الثانیه این دو متعمدتان و اختیاری‌اند یا مقصود نگاه اولی اتفاقی و دوم عمدی است؟ النظره الثانیه تقریباً متفق است که عمدیه است اما نظره اولی چه؟

عرض شد از این منظر سه احتمال داده‌شده:

1. اولی عمدیه و اختیاریه باشد. صاحب شرایع و علامه این را پذیرفته‌اند.
2. نظره اولی اتفاقیه باشد. مرحوم خوئی و برخی بزرگان پذیرفته‌اند.
3. اجمال دارد.

استدلالات و شواهد برای هر یک از این احتمالات را بررسی می‌کردیم. شاهد احتمال اول عمدتاً ظهور اولیه کلام بود. نظره به‌عنوان فعل که اسناد به فاعل داده می‌شود عمد و اختیار را حتماً در برمی‌گیرد. حال یا ظهور در نظره اختیاری دارد یا لااقل اختیاری را در برمی‌گیرد.

## شاهد اول احتمال دوم:

شاهد احتمال دوم در کلمات مرحوم خوئی و بزرگان آمده بود. اولین شاهد در جلسه قبل گفتیم که نظره اگر اختیاری باشد چهارچوبی ندارد و احاله به امر مجمل مبهمی است؛ زیرا نظره اولی یعنی چه؟ نگاه اول در یک جلسه در فاصله یک ساعت نیم ساعت یک ماه یک سال است؟ ازاین‌جهت از جهات مختلف نظره اولی اگر حمل شود بر نظره اختیاری و عمدیه اناطه حکم به امر مجهول و مبهمی است که دارای طیفی است که نمی‌شود مراد را فهمید. در حکم مهم این شکلی که جواز را می‌خواهد بگوید امر احاله ابهام شود. در نظره ثانیه هم همین‌طور است امر را به چیزی احاله کند که ابهام دارد. پس یک و دو مقدار زمانی‌اش چقدر است؟ یک ثانیه ده ثانیه یک دقیقه یا ده دقیقه بدون چشم برداشتن؟ ازلحاظ فاصله نگاه‌ها هم مجمل است. نگاه اول و دوم در ظرف ده دقیقه پنج دقیقه یا یک روز؟ ابهام دارد. پس شاهدی است که نظره اینجا نظره عددی نیست بلکه اتفاق و عمد است. نظره اولی یعنی نگاهی که عمد نیست و ناگهان چشمش می‌افتد. حال ده بار هم اتفاقی نگاه کند اشکال ندارد. پس با مناسبات حکم و موضوع اولی و ثانیه را از موضوعیت می‌اندازد. اولی یعنی اتفاقیه ثانیه یعنی عمدیه. در بحث بعد خواهیم گفت می‌شود مثال زد مناسبات حکم و موضوع و شواهد موضوع را از موضوعیت ساقط می‌کند بلکه می‌گوید کنایه از چیز دیگری است. اولی یعنی اتفاقی. ثانیه یعنی عمدیه. این را از ترکیب مناسبات حکم و موضوع به دست می‌آوریم. این‌یک شاهدی است که ایشان برای مسئله آوردند.

### نقد شاهد:

این شاهد ضمن اینکه رد قاطع نمی‌شود و اولی و ثانیه اشاره به‌اتفاق و عمد ندارد یا اینکه عرفی نیست را نمی‌شود گفت ولی ابهام و اجمال را می‌شود جواب داد.

اولاً ابهام و اجمال ندارد. در فاصله متعارف و معقولی که عرف آن را معقول می‌بیند نگاه اول یا دوم باشد. فاصله معقول است.

ثانیاً فرض کنید از جهات ظرف زمانی و مقدار اولی و فاصله جلسات ابهام دارد، بازهم حمل بر قدر متیقن می‌شود. آنچه عرف می‌گوید اولی و ثانیه است. این‌ها قابل جواب است.

## شاهد دوم احتمال دوم:

شاهد دوم: این روایات و اخبار مفصله از دو جهت ظهوری دارند که جمع این‌ها نمی‌شود؛ زیرا ظاهر اولیه این است که نظره‌ها هر دو عمدیه و اختیاری است. نظره اولی و ثانیه ظاهر اولیه‌اش این است که اختیاری است. از طرف دیگر ظهور اطلاقی هم وجود دارد اطلاق از حیث عضو منظور الیه. نگاه اول و دوم به وجه و کفین و یا سایر اعضا حتی عورت است. جمع این دو خلاف ضرورت و ارتکازات روشن است. دو ظهور را جمع کنیم. نگاه اول یعنی عمدیه و اختیاریه و نگاه به سایر اعضا را هم در برمی‌گیرد. اگر هر دو جمع شود مستلزم این است که نگاه عمدیه و اولیه به غیر وجه و کفین هم معاف است درحالی‌که این را کسی نمی‌گوید که نگاه به غیر وجه و کفین عمدیه ولو اول باشد معفو است. آنچه قابل‌قبول است اولین نگاه به وجه و کفین اگر عمدی باشد مانعی ندارد اما سایر اعضا بعید است. یکی از این دو ظهور را باید کنار بگذاریم. یا نظره مقید به وجه و کفین است که نگاه عمدیه اول نامعقول نیست یعنی اینکه ظهور اختیاری را حفظ کنیم منظور الیه را مقید به وجه و کفین کنیم. راه دیگر اینکه منظور الیه اعم است ولی نظره اتفاقیه است. اشکالی ندارد که نگاه غیر اتفاقی به هر عضوی باشد. پس دو ظهور داریم یکی ظهور نظره در فعل اختیاری و دوم ظهور اطلاقی نسبت به شمول به غیر وجه و کفین. یکی را باید برداریم. ایشان می‌گویند دست برداشتن ظهور از اختیاری ازلحاظ عرفی اولی است. عرف این را اولی می‌داند که نگاه اتفاقی است؛ اما اینکه بگوید نگاه مقصود به وجه و کفین است را عرف مستبعد می‌داند؛ زیرا وجهی ندارد که بگوییم مقصود وجه و کفین است بلکه نگاه به سایر اعضا را هم شامل می‌شود. قدر متیقنش وجه و کفین است اما اختصاص داشتن به آن بعید است. به‌عبارت‌دیگر اگر به عرف ارائه دهید می‌گوید هر دو ظهور را نمی‌شود حفظ کرد النظره الاولی یا اتفاقیه را می‌گوید یا مقید به وجه و کفین است. ذهنش به وجه و کفین نمی‌رود ولی النظره الاولی به معنای اتفاقیه بودن را می‌پذیرد. نگاه اول به معنای اتفاقی و غیر اختیاری متعارف‌تر است پس ترجیح دارد میان دو راه آن راه را انتخاب کنیم و ظهور از اختیاری بودن را برداریم. این هم شاهد دوم است.

### نقد شاهد:

این شاهد هم مثل شاهد اول در حد ترجیح اشعاری شاید بدهد اما به‌صورت واضح تکلیف را مشخص نمی‌کند و ظهور به کلام نمی‌دهد. شواهد دیگری هم دارند که همین مشکل را دارد.

سؤال: عرفا چه استبعادی دارد که کسی اولی را در نگاه متعمدانه بداند ولی بگوید بر اساس مذاق شریعت متعین در وجه و کفین می‌شود.

جواب: بله. راه اینکه شما می‌فرمایید به این شکل است که هر دو ظهور را برداریم. منتهی شاهد قاطعی می‌خواهد.

سؤال: ظهور در اختیاری داشته باشد اما اطلاق در همه اعضا اشکال ندارد.

جواب: شما می‌گویید اختیاریت را حفظ کنیم. عرض ما هم همین است. این‌طرف هم واضح نیست ولی راهی است آن‌طرف هم خلاف ظاهر قطعی نیست که رفع ید از قید اختیاریت واضح‌تر از رفع ید از اطلاق است. خیر بلکه ممکن است برعکس باشد زیرا ظهور در اختیاریت قوی‌تر از اطلاق و مقدمات حکمت است؛ اما ظهور در اختیاریت محل بحث است که وجهش چیست؟ اگر شمول بگوییم اطلاق می‌شود و تعارض اطلاقین. اگر ظهور بگوییم شاید کسی بگوید از مقدمات حکمت به دست می‌آید. درهرصورت ترجیح یکی از دوتا زیاد واضح نیست.

سؤال: شما درجایی می‌فرمایید بر هر دو طرف ما پایبند باشیم ولی ظهور یکی را برداریم...

جواب: نه. اینجا خیلی وجهی ندارد.

## احتمال سوم: اجمال

چند شاهدی که ذکر شد و به این شکل درمی‌آید. درهرصورت دو احتمالی بود که برای هرکدام شواهدی ذکر شد. اگر کسی نتواند میان احتمالات انتخاب کند باید به‌احتمال سوم که اجمال دارد برود. اجمال بعید نیست زیرا از طرفی عمدی و اختیاری بودن ترجیح داده می‌شود زیرا ظهور افعال در اختیاری است. از طرفی اتفاقی بودن ترجیح داده می‌شود زیرا به ذهن می‌آید که النظره الاولی یعنی نگاه اول را بخشیدم احساس می‌شود که منظور نگاه اتفاقی‌هاست و النظره الاولی کنایه از کار غیر اختیاری است. ترجیح یکی از دو تا برای ما واضح نشد؛ بنابراین نوعی اهمال باقی می‌ماند.

## احتمال چهارم:

مگر اینکه کسی احتمال چهارمی‌ دهد. به این نحو که النظره الاولی عبارت است از نگاه بین عمد و اختیار. همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم والان توضیح بیشتر می‌دهیم افعالی که اختیاری است طیف و مراتب دارد. یک اختیاری این است که از صبح که بیرون می‌آید دنبال این است که به نامحرم نگاه کند. این اختیاری کامل است. از اول طراحی کرده که نگاه به نامحرم کند. گاهی طراحی نکرده ولی می‌داند اگر به پاساژ برود نگاه به نامحرم حتی موی او می‌افتد. این اختیاری خیلی بارز مثل صورت اول نیست ولی به دلیل اینکه مقدماتش اختیاری است و او می‌تواند مقدمات را ترک کند اختیاری می‌شود. برای خرید رفته پس نگاهش می‌افتد. این همان الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار است. دو نوع اختیار است یک نوع اختیاریت مستقیم و یک نوع اختیاریت به اختیاری بودن مقدمات. بارها عرض کردیم کسی که خودش را از برج صد طبقه به پایین پرت می‌کند و حدود ده دقیقه در حال سقوط است وقتی به زمین می‌خورد و کشته می‌شود حین زمین خوردن که اختیار ندارد ولی فعلش اختیاری است چون مقدمات دست او بود. می‌توانست خود را پرت نکند. اینجا دو تقریر وجود دارد یکی اینکه خطاب متوجه خود فعل است و فعل اختیاری به اختیاریت مقدمات است. یا به قول قوانین بگوییم اینجا خطاب درواقع متوجه مقدمه تولیدیه می‌شود. مقدمات تولیدیه که اگر صادر شد فعل هم مترتب می‌شود خطاب متوجه به آنهاست. آیه **﴿وَ لا تُلْقُوا بِأَيْديكُمْ إِلَى التَّهْلُكَة﴾[[1]](#footnote-1)** درجایی که بدون مقدمات بعیده باشد به خود فعل تعلق می‌گیرد اما آنجا که با مقدمات بعیده تولیدی است به مقدمه تعلق می‌گیرد. در قوانین این‌طور تعبیراتی دارد. ما اولی را میگوییم به خود فعل نهی تعلق می‌گیرد و اختیاریتش به اختیاریت مقدمات است.

سؤال: در آیه نهی از القاء در تهلکه شده یعنی خود را پرتاب کردن...

جواب: نه القاء اینجا مشترک لفظی است. القاء اینجا یعنی لاتهلکوا انفسکم. فرض کنید مقدمات بعیده مثلاً آمپول زدن است که بعد دو روز می‌میرد. علت اینکه القاء را آورده تأکید است و شاید اشاره به مقدمات هم باشد.

سؤال: لاتهلکوا انفسکم یعنی تیر زدن به خودش اما القاء گویا این‌طور نیست...

جواب: می‌خواهید بگویید به مقدمات اشاره دارد. ممکن است. باید دقت کرد.

احتمال چهارم می‌گوید نظره اولی نه نگاه عمد محض است نه اتفاق محض بلکه مرتبه بین عمد محض و اتفاق محض است. اتفاق محض آنچه نه در فکرش بوده نه حتی به مقدماتش توجه داشته. کاملاً اتفاقی و به مقدمات قصد و توجهی نبوده. نه عمدی است که مباشرتاً هدف‌گیری می‌کند. می‌داند بیرون که می‌رود مواجه با نگاه ناخواسته می‌شود که مقدماتش به شکلی دست اوست. نظره الاولی یعنی نگاه‌های نیمه اتفاقی و نیمه عمدی. شاید روایات هم نگاهش به این است که نمی‌خواهد زندگی طبیعی افراد خدشه‌دار شود. شیخ هم شاید همین منظورش بوده است. می‌گوید این نگاه عمدی است ولی به‌قصد تلذذ نیست. نگاهی که می‌خواهد معامله کند و حرف بزند و عمدی هم هست ولی به‌قصد تلذذ نیست. نظره اولی این‌طور نگاهی است. نگاه با قصد ولو اینکه تلذذ هم ممکن است در ضمنش پیدا شود. اینجا می‌فرمایند حتی فراتر از عدم تلذذ است. حتی صورت تلذذ را هم می‌گیرد ولی تلذذی که مقصود او نیست. کار عادی را انجام می‌دهد ولی تلذذ هم ایجاد می‌شود. این شکل تندتر است و خفیف‌ترش این است که نگاه غیر متلذذانه‌ای که مقدماتش اختیاری است. پرملاط ترش را شیخ گفته که ولو به تلذذ برسد ولو غیر مقصود باشد. آیت‌الله زنجانی از شیخ نقل می‌کند و رد می‌شوند و نمی‌فهمیم که پذیرفتند یا نه. حتی اگر تلذذ هم پیدا شود اما او به‌قصد تلذذ این کار را نمی‌کند. او به‌قصد کار متعارفش وارد گفتگو یا خریدوفروش شده اما ناخواسته آن‌یک هم می‌آید و علم اجمالی داریم که آن‌هم پیدا می‌شود. این روایات آن‌ها را تخفیفی می‌دهد. کار به وجه و کفین هم ندارد و این روایت بنا بر احتمال چهارم می‌گوید هر جا که حرام باشد. هرچه نگاه به آن حرام باشد در نظره اولی که اتفاقی و عمدیه محض نیست و بین اتفاق و عمد است رفع تکلیف از آن شده. این احتمال چهارم است و با همه بحث‌های قبلی فرق می‌کند. کار به وجه و کفین هم ندارد. غیر وجه و کفین را هم سراغ چیزهای واضحی که سخت است انسان بپذیرد نروید بلکه صورت یا بالاتر از دست را بگویید که هم قدیم مقداری متعارف بوده امروز هم متعارف‌تر است. اصلاً روایت درصدد این نیست که وجه و کفین یا غیر وجه و کفین را بگوید. بلکه ناظر به چیزی است که در جای دیگر گفتیم حرام است. آنچه حرام است شکل اتفاقی محض را یا شکل بین اتفاقی و عمد را می‌گوید برداشتیم.

### خصوصیات احتمال چهارم:

خصوصیات احتمال چهارم این است که اولاً اولی و ثانیه به ظهورش باقی است. دوم اینکه مخصوص به وجه و کفین نیستند بلکه مخصوص به آنچه نگاه به آن حرام است می‌باشد که قید می‌زند. سوم اینکه اولی اینجا قید خورده و عمدی محض چه تلذذی چه غیر تلذذی را نمی‌گیرد و مقصود فقط اتفاقی هم نیست بلکه حالت میانه اتفاق و عمد است. این سه مؤلفه احتمال چهارم است. این احتمال هم بعید نیست که این روایات کاری به وجه و کفین و غیرها ندارد. همه را می‌گیرد و می‌گوید اگر نگاهی شد که در روابط اجتماعی اتفاق می‌افتد می‌شد هم واقع نشد و در خانه نشست این‌طور چیزها را خدا عفو کرده است.

سؤال: می‌پذیرید که در مقام امتنان باشد که این را می‌طلبد که ابتلای به این مورد کثیر باشد

جواب: اتفاقاً ابتلای به این کثیر است.

سؤال: در عصری که از قبل برنامه‌ریزی داشته باشند کم می‌شود

جواب: عرف متعارف متدینین این خیلی مبتلابه است. باید خود را خیلی محدود کند. شارع نخواسته به خاطر این بگوید خانه اقوام نرو یا بازار نرو. می‌گوید زندگی عادی‌ات را بکن.

سؤال: حتی نسبت به کسی که رعایت هم نمی‌کند؟

جواب: بله او در جامعه متعارف می‌آید که همیشه مواردی از بی‌توجهی بوده. الآن رواج بیشتری پیداکرده. روح روایات می‌گوید سخت‌گیری نمی‌خواهد باشد. این احتمال چهارم است. مقید به وجه و کفین هم نمی‌کند. اصلاً ناظر به وجه و کفین یا غیرش نیست بلکه همانی که محرم است را می‌گوید و ازاین‌جهت اجمال دارد. نظره اولی به‌صورت عرفی به هر شیء حرامی ‌باشد اشکالی ندارد. به خاطر تسهیل روابط اجتماعی سخت‌گیری آن را برداشته و فعل‌های میانه اشکالی ندارد.

1. . سوره بقره، آیه 195. [↑](#footnote-ref-1)